

تحلیلی بر تأثیر فرهنگ در ساخت شهرهای ایرانی اسلامی

سعید امان‌پور

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز

جعفر سعیدی*

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز

Jf.saeedi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۷

چکیده

شهر تجلی‌گاه ارزش‌ها و فرهنگ‌های انسانی بوده و بخشی از این ارزش‌ها به صورت مناظر و سیمای فرهنگی در ساخت شهرها آشکار می‌شود. در جهان‌بینی اسلامی، فرهنگ مشتمل بر نظام اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاقیات و رفتارها بوده و منبعث از وحی و جهت دهنده به جامعه اسلامی است. فرهنگ ایرانی اسلامی همان فرهنگ متعالی اسلامی است که در روح و کالبد فرهنگ ایران‌زمین دمیده شده و متناسب با تاریخ، جغرافیا، مذهب و زبان در چند قرن گذشته تکامل یافته است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در قالب مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، ساخت شهرهای ایرانی اسلامی را با توجه به نقش و تأثیرات فرهنگ بررسی می‌کند. در این راستا می‌توان گفت که شهرهای اسلامی مفهومی خاصی از شهر را نمایان می‌کنند. در این مفهوم، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌های اسلامی در ساخت عناصر شهری آشکار می‌شوند. فرهنگ در ساخت شهرهای ایرانی اسلامی قبل از اسلام، تحت تسلط نظام اجتماعی و الگوهای پارسی، هلنی و پارتی، ریخت‌شناسی خاصی با نمودی طبقاتی را ایجاد کرد. بعد از ورود اسلام هم فرهنگ تحت تأثیر اصول و عناصر اسلامی ساخت شهرها را به وجود آورد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، ساخت، شهر ایرانی اسلامی، جهان‌بینی اسلامی

مقدمه

ساخت هر شهر از یک سو نمایانگر هماهنگی فضایی کالبدی شهر با شرایط و عوامل زمان و از سوی دیگر گویای چگونگی جریان فعالیت‌های اصلی شهر است (پوراحمد و یزدانی، ۱۳۸۴: ۳۰). در دوره‌های مختلف تاریخی، ساخت‌های متفاوتی از فضاهای شهری مشاهده می‌شود. مورفولوژی و ساخت شهر^۱، در نظام‌های مختلف اجتماعی اقتصادی جهان متفاوت است. بر همین مبنا در ایران قبل و بعد از اسلام فضاهای شهری خاصی شکل گرفته است که یکی از عوامل تأثیرگذار در ساخت این شهرها در هر برهه‌ای، عامل فرهنگ بوده است (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۶). در کشورهای مختلف، عامل دین، فرهنگ و ایدئولوژی نظام‌های حاکم نقش مهمی را به عهده می‌گیرند. بر این ترتیب، در کشورهایی که ادیان و ایدئولوژی‌های متفاوت دارند؛ می‌توان ساخت‌های مورفولوژیکی مختلفی را مشاهده کرد؛ چنانکه فضاهای جغرافیایی کشورهای غربی، سوسیالیستی و اسلامی با همدیگر متفاوت می‌نمایند. در کشورهای اسلامی، ساخت فضاهای جغرافیایی بایستی تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی به صورت قوانین متخذ از قرآن، سنت، فقه، اجتهاد و اجماع صورت گیرد. شهری که ویژگی‌های منحصربه‌فرد داشته باشد و الگوی کاملی از توسعه را برای جهانیان عرضه بدارد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹). در این راستا، دین اسلام در عرصه‌های مختلف زندگی انسان دارای اصول و معیارهایی است. این معیارها شامل موضوع برنامه‌ریزی و طراحی شهری نیز می‌گردد. تمدن و فرهنگ اسلامی با وجود ویژگی‌های متنوع از نظر فرهنگی، وضعیت طبیعی و جغرافیایی و حتی مذهبی، تجلی طراحی شهری متفاوت، متنوع و سازگار در پهنه بسیاری از کشورهای دوران اسلامی گشته است. امکان استفاده از تجارب با ارزش هر یک از کشورهای دوره اسلامی و یا دارای جمعیت کثیری از مسلمانان جهت بازیابی هویت امت اسلامی امکان‌پذیر است. مبانی تئوریک شهرسازی اسلامی می‌تواند مبتنی بر اصول اعتقادی در آیین مقدس اسلام باشد (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). تجلی این اصول و اعتقادات در شکل‌گیری فضاهای شهری، نشان از این واقعیت دارد که هرچه بنیادهای فرهنگی ملتی استوارتر و ریشه‌دار تر باشد (سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۴)؛ تجلیات آن فرهنگ از تکامل یکنواخت‌تری برخوردار خواهد بود و از نوسانات و گسست‌ها مصون خواهد ماند؛ بنابراین باید با شناخت دقیق مبانی هویت خویش، به حداقل تولیدات فکری و ذهنی بر اساس جهان‌بینی و

باورهای خویش مجهز گردید. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و کیفی به بررسی تأثیر و جایگاه فرهنگ در ساخت و مورفولوژی شهرهای ایرانی اسلامی می‌پردازد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

عوامل اجتماعی و فرهنگی در قرون دیرینه با دین و مذهب فرق مختلف اجتماعی - فرهنگی مرتبط بوده است؛ این‌گونه عوامل در بسیاری موارد به صورت قاطعی در تعیین شکل شهر و زیستگاه‌های انسانی مؤثر بوده است. این نکته در گذشته‌ی بسیاری از شهرهای ایرانی اسلامی، هم در شکل گذرها و هم در چگونگی مکان پاره‌ای از عوامل، ساخت‌های کالبدی مانند مسجد، بازار و همچنین فرم خانه‌های مسکونی درون‌گرا، مؤثر بوده است. در اینجا رابطه ساختی و کالبدی مربوط به اجتماع و فرهنگ در این شهرها بیشتر در میدان‌ها مقابل مساجد و درون مساجد و تکیه‌ها مجسم می‌گردید (مجتهدزاده، ۱۳۸۷). به‌منظور متجلی ساختن ارزش‌های اسلامی در ساخت کالبدی شهر، شناسایی ارزش‌هایی که می‌توانند با تظاهر در مجتمعی اسلامی هویت آن را نمایش دهند ضرورت تام دارد. با پذیرش این نکته که فرهنگ در ساخت و شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی نقش اساسی دارد و مجتمع‌های زیستی در هر جامعه‌ای تجلی‌گاه ارزش‌های فرهنگی آن جامعه است؛ لزوم توجه به نقش فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در ساخت شهرها ضروری به نظر می‌رسد. اهمیت فرهنگ اسلامی در شکل‌گیری الگوی خاصی از زندگی شهری و غنای فرهنگی و کالبدی شهرهای اسلامی و اهمیت مطالعه و بررسی آن‌ها سبب شده است که محققان با در نظر گرفتن خصوصیات عام شهر در تعیین شهرهای اسلامی مبنایی برای مطالعات خود فراهم کنند.

پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه شهر و شهرنشینی در اسلام نشان می‌دهد که پایه‌های بنیادین شهر در ابتدا با اهداف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفته است (سلطانی فرد و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۵). در اینجا به برخی از تحقیقات مرتبط با موضوع مطالعه، اشاره می‌گردد (جدول ۱).

جدول ۱- پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق	
✓	هیلن براند، ^۱ (۱۳۷۷)، در کتاب معماری اسلامی، فرم، عملکرد و معنی، معتقد است که معماری و شهرسازی بومی به‌ویژه معماری اسلامی نشان از فرهنگ از جمله آداب و رسوم، هنر، آئین و ادبیات بومی مناطق دارد.
✓	بسیم سلیم حکیم (۱۳۸۱)، در کتاب خود با عنوان شهرهای عربی اسلامی، شهرهای جهان عرب و اسلام که عمده ساکنان آن‌ها مسلمان بوده‌اند را دارای هویت اسلامی مشترکی می‌داند که به‌طور مستقیم از کاربری ارزش‌های شریعت در فرآیند شهرسازی حاصل آمده است.
✓	امس راپورت ^۲ (۱۳۸۴)، از جمله دانشمندان فرهنگ‌گرا است که ساختار یک مجتمع زیستی را از نظر ویژگی‌های فرهنگی مورد دقت قرار داده و معتقد است که عامل فرهنگی و به‌ویژه اعتقادات مذهبی مردم، اساس انتظام‌بخشی به زیستگاه‌های انسانی بوده است. او اساس نظم‌دهی به سکونتگاه‌ها را مذهب و مقدسات مردم دانسته که غالباً به شیوه‌ای نمادگرایانه صورت می‌گرفته است.
✓	هشام مرتضی (۱۳۸۷)، در کتاب اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، فرهنگ اسلامی را شیوه‌ای برای زندگی، به همراه آرمان‌ها و ایده آل‌های اجتماعی و مبتنی بر ارزش‌ها می‌داند و اسلام را دربرگیرنده بسیاری از اصول نظام اجتماعی می‌داند که باعث ارتقاء ابعاد اجتماعی- فرهنگی و حتی کالبدی می‌شود.
✓	خدایی و تقوایی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی، اصطلاح شهر اسلامی را بیانگر هویت ویژه فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خاص ساکنان آن می‌دانند. بر این اساس فضای کالبدی بیشتر شهرهای اسلامی متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن است که وجود روح مشترک و منتج از مکتب الهی را در آن‌ها تأیید می‌کند.

مبانی نظری

مفهوم فرهنگ و ساخت

فرهنگ، تلقی و دیدگاه ما از جهان، شیوه زیست جمعی و فردی ما، نشانی از هویت‌مان، مجموعه‌ای در هم تنیده‌ای از اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه‌های رفتاری، تجلی هنر، موسیقی و ادبیات، متکی بر الگوهای ملی، مذهبی و مدرن است (حیب، ۱۳۸۸: ۹۲). اصطلاح فرهنگ، به مفهوم وسیع می‌تواند برای تبیین تمام جنبه‌های خاص از یک زندگی بکار رود یا بر نظام ارزش‌هایی دلالت کند که در این شکل زندگی نهفته‌اند و هدف فرهنگی، نیز به مفهوم درک و تفسیر نظام ارزش‌ها و انتقال آن به نسل‌های آینده می‌باشد. این انتقال در طول تاریخ شهرسازی در شهرهایی صورت گرفته که مردم، دولت و نخبگان آن قدرت درک و فهم و ارزش‌ها را داشته‌اند (توسلی، ۱۳۷۹: ۳۵). کلمه ساخت هم از کلمه استراکچر (Structure) و از فعل (Stuere) به معنای ساختن و بنا کردن، اخذ شده که تا قبل از قرن ۱۷ میلادی، صرفاً در معماری به کار می‌رفت. چون ساخت، رابطه‌ای ثابت و پا برجا میان عناصر و اجزای یک مجموعه است، هنوز در مفهوم آن ابهاماتی وجود دارد (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۷). مثلاً از دیدگاه نظریه‌های متعدد به‌خصوص رادکلیف

1. Hiln Brand

2. Amos Rapoport

براون^۱، ساخت دارای مفهومی انتزاعی و مبتنی بر تحلیل وضعیت‌های اجتماعی و واقعی است، در صورتی که ماکس وبر ساخت را طرح منطقی روابط انتزاعی می‌داند که شالوده یک واقعیت را تشکیل می‌دهد.

رابطه فرهنگ و ساخت شهر

سه عامل فرهنگ، اقتصاد و اقلیم، مشخصه‌های کالبدی، شکل، ساخت و ریخت‌شناسی شهری را به وجود می‌آورند. فرهنگ‌های متفاوت، نظام‌های اقتصادی متفاوتی را خلق می‌کنند و توان تغییر اهداف اقتصادی و سیاسی یک جامعه را دارند. چون درک کامل یک ساخت و یک نظام اقتصادی بدون دانستن پایه و اصول فرهنگی آن نظام میسر نیست (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۷). پس می‌توان گفت که فرهنگ، عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری فضای شهری است و در ریخت‌شناسی فضایی توجه به فرهنگ اهمیت اساسی دارد. از آنجا که هر ساخت و سازی در فضای شهری برخاسته از طرز تفکر برنامه‌ریزان و مردم شهر است، آن‌ها بر پایه سطح فرهنگ و اندیشه‌های خویش دست به خلق آثار می‌زنند و بر تأثیرپذیری فضای شهری از فرهنگ صحنه می‌گذارند (فنی، ۱۳۸۸: ۴۴). همین‌طور فرهنگ یک جامعه، نوع اقتصاد و اقتصاد آن جامعه، نوع تکنیک و نوع تکنیک، ساخت و نظام کالبدی آن جامعه را مشخص می‌سازد. بدین ترتیب فرهنگ‌هایی که دارای نظام‌های اقتصادی - اجتماعی متفاوت از یکدیگرند، ساخت‌های شهری متفاوتی را خلق می‌کنند (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۷)؛ بنابراین فرهنگ مستقیماً از طریق نظام فعالیت‌ها و با هدایت ارزشی و هنجاری آن، با ارائه دستورالعمل‌های معین ناظر بر انجام فعالیت، مستقیماً بر ساخت فضاها و محیط‌های شهری تأثیر می‌گذارد و محیط‌های شهری را نیز محصولی فرهنگی می‌کند (پارسی، ۱۳۸۱: ۶۲). فرهنگ در محیط فیزیکی ظاهر می‌شود و طرح‌های عمومی، طرح خانه‌ها و ساختارهای عمومی به‌طور آشکار بازتاب ارزش‌ها و اعتقادات یک فرهنگ هستند؛ بنابراین فضای شهری با محتوای عمیقاً اجتماعی به‌عنوان فضایی ساخته‌شده، محصولی فرهنگی به شمار می‌آید.

فرهنگ شهری^۱

فرهنگ شهری را می‌توان در سه مفهوم جست‌وجو و تبیین کرد: نخست: به معنای شیوه زندگی و در برگیرنده مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، باورها و نگرش‌ها؛ یعنی نوع زندگی در شهر، به معنای تبعیت فرد شهرنشین از قواعد و اصولی مانند احترام به قوانین شهری، رعایت حقوق فرهنگی و مذهبی دیگران. دوم: توجه و احترام به مجموعه کالبدی و فیزیکی و نمادهایی که معانی خاصی را برای شهرنشینان تداعی می‌کنند و ممکن است به باورهای ذهنی و روانی آن‌ها مربوط باشد. سوم: جنبه‌ای از معنای فرهنگ شهری، توجه به منابع فرهنگی از جمله خرده‌فرهنگ‌ها، بناها و آثار تاریخی، آداب و رسوم، فولکلور و دیگر منابعی است که زاده زیست‌بوم شهری‌اند. از خصوصیات برجسته فرهنگ شهری، پیچیدگی و تمایز کمی و کیفی عناصر آن است. فرهنگ شهری، مجموعه پیچیده و درهم تنیده‌ای است که حاصل تعامل نظام‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی شهر است (صرافی، ۱۳۸۳: ۲۳؛ فنی، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۰). در این فرهنگ، اقتصاد معیشتی مبتنی بر ارزش استفاده، جای خود را به فرهنگ بازار مبتنی بر ارزش مبادله کالا و خدمات می‌دهد. روابط شخصی رو در رو و متکی بر عواطف جای خود را به روابط غیر فردی و رسمی متکی بر عقلانیت معطوف به هدف می‌دهد اقتدار سنتی در عرصه سیاست، جای خود را به فرهنگ عقلانی قانونی در خدمت به مصالح عمومی می‌دهد.

دیدگاه فرهنگ‌گرایانه^۲ و شهر

دیدگاه فرهنگ‌گرایانه متأثر از نظریه‌های شهرسازان قرن نوزدهم همچون راسکین، موریس، کامیلوسیت، اوژن ویوله^۳ و غیره تأکید بر ارزش‌های فرهنگی بومی در شهر دارند. فرهنگ‌گرایان توجه به ارزش‌های بومی و فرهنگی را به‌عنوان مبنای دخل و تصرف می‌دانند. فرهنگ‌گراها معتقدند که فضاهای شهری باید متناسب با ساختارهای فرهنگی و فضاهای شهری متنوع و غیر قابل پیش‌بینی باشد (شماعی، ۱۳۸۹: ۹۹). این دیدگاه در نگاه به شهر محورهای معنوی را بر محورهای مادی مقدم می‌دارد و کل شهر را یعنی مجموعه شهر بر جزء را بر افراد غالب می‌داند و مفهوم فرهنگی شهر بر مفهوم مادی آن مقدم است. شهر

1. Urban Culture
1. School culturalism
2. Eugène Viollet

فقط از طریق سازمان‌های اجتماعی - فرهنگی زنده می‌شود. برگشت به گذشته و توجه به زیبایی‌شناسی از مشخصات آن است (زیاری، ۱۳۸۹: ۱۴). فرهنگ‌گرایان شهری، همچنین شهر را معمولاً کانون یادگیری اکتسابی، ارتباطات، جمع‌های خصمانه، سر و صدا، جاه‌طلبی، فردگرایی، آزادی، تنهایی و گمنامی، بدی و زشتی، بی‌تفاوتی، تعقل و خردورزی، ابزارگرایی، نقش‌ها و روابط رسمی و غیرشخصی، عقلانیت و حساب‌گری، روح سودجویی و مادی‌گرایی، قانون‌گرایی، سطحی و تصنعی بودن روابط و یا به تعبیر جدید کانون تقسیم کار پیچیده و تخصصی شدن کارکردها، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی، تغییرات اجتماعی و تحرک فرهنگی، قدرت و ثروت و منبع اطلاعات و نوآوری می‌دانند (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

مفهوم شهر اسلامی

مفهوم شهر اسلامی ناظر به هویت اجتماعی و کالبدی شهر است. شهر اسلامی شهری است که روابط اجتماعی آن بر پایه ارزش‌های دینی سامان می‌یابد و چهره فیزیکی آن یادآور هویت اسلامی ساکنان آن است (باقری، ۱۳۸۶: ۹۶). شهر اسلامی عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره را منعکس می‌نماید که از میان آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تطبیق محیط مصنوع شهر با ویژگی‌های طبیعی

- شکل‌گیری مرکز فرهنگی بر اساس اعتقادات مذهبی

- انعکاس قوانین اسلامی برحسب قلمروهای عمومی و خصوصی پایه‌گذاری سازمان اجتماعی بر اساس شباهت‌های قومی و نژادی (Saoud, 2002).

در تعریفی که از شهر اسلامی شده، این سؤال مطرح است که آیا این معیارها، قابل‌قبول شهرشناسان می‌باشند یا اینکه، اغلب آن‌ها را در سایر حوزه‌های فرهنگی نیز می‌بینیم؛ باید گفت که مراکز و اماکن مذهبی شهر اسلامی، کلیدی است که به شناخت و تفکیک شهرهای حوزه فرهنگ اسلامی کمک شایانی می‌کند. قابل‌ذکر است که هر حرکت شهرسازی در شهر اسلامی با ایدئولوژی اسلامی و مکتب آن در ارتباط بوده است که به‌صورت فیزیکی در شهرها تجلی نموده و بناهای مختلفی با مکان‌یابی عقلایی پدید آمده است (اعتضادی، ۱۳۷۷: ۳۴). وقتی به یک شهر، صفت اسلامی داده شد که ساخته و پرداخته تفکرات و باورهای آن است، پس آن آثار مصنوع، بر پایه و اساس مکتب و تعالیم اسلامی پدید آمده است، اما

گروهی از شهرشناسان به مخالفت چنین اندیشه‌ای برخاسته و وجه مشترک شهر اسلامی با سایر شهرهای حوزه فرهنگی را مورد توجه خویش قرار داده‌اند.

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ روش، توصیفی و تحلیلی است، روش گردآوری اطلاعات، مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است؛ در این راستا با بررسی منابع به تبیین مفهوم فرهنگ پرداخته شده، سپس تأثیر عامل فرهنگ در ساخت شهرهای ایرانی اسلامی تبیین می‌شود.

بحث و بررسی

فرهنگ اسلامی و ساخت شهر

نظام فضایی کالبدی شهر در قبل از اسلام شامل سه بخش کهندژ، شارستان و سواد (حومه) بوده، ضمن اینکه بخش کهندژ، محل سکونت پادشاه، حکام و درباریان بوده و اغلب در بهترین نقطه‌ی شهر و در سطحی بالاتر از سایر نقاط قرار داشته توسط دروازه به خارج متصل می‌شده است. این بخش، نظامی خودکفا داشته و از برج و بارو و خندق برای حفاظت ساکنانش برخوردار بوده است. بخش دوم، شهر یا شارستان، در دوره‌ی مختلف شاهنشاهی چهره‌ی متفاوت داشته، محل سکونت دبیران، روحانیون، کسبه و شهروندان و دارای حصار و دیگر استحکامات لازم بوده است. در حومه‌ی اغلب شهرها و روستاها، سکونتگاه‌هایی برای کشاورزان و گاه پیشه‌وران احداث می‌شده که به سواد یا حومه معروف بوده است (زیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۰)؛ اما فرهنگ اسلامی با شعار برابری، برادری و تحرک عمودی و افقی، باعث پویایی جامعه شهری و پویایی مردم در جامعه شهری گردید، به نحوی که میان مفهوم شهر و فرهنگ اسلامی در ابتدای امر روابط نزدیکی برقرار گردید و در شهر اولین دولت اسلامی تشکیل شد. فرهنگ اسلامی برای حریم زندگی خانوادگی و ارزش‌های آن اهمیت قائل بود. از این‌رو، همه دستورات و قوانین به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده، ساخت شهرها را تحت تأثیر قرار داد و به مورفولوژی آن‌ها هویت ویژه‌ای بخشید که با شهرهای دیگر نواحی دنیا متفاوت است. سیاست خاص اسلام در دوره‌ی نخستین امپراتوری اسلامی بر

توسعه‌ی شهرهای موجود (ری، اصفهان و دمشق) با رنگ و بوی اسلامی و ایجاد شهرهای نوین (کوفه، بغداد، سامره، شاه جهان) مبتنی بوده است.

تأثیر فرهنگ اسلام در ساخت فضایی شهر در دو مقوله زیر قابل بررسی است:

الف) تأثیر فرهنگ اسلام در پیدایش شهر و نحوه‌ی سازماندهی آن.

ب) تأثیر فرهنگ اسلام در ساخت مسکن (سلطانزاده، ۱۳۷۳: ۴۲؛ زیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۱). جدول ۲، به نظریه‌هایی که شهر را حاصل فرهنگ و تمدن اسلامی می‌دانند اشاره دارد.

جدول ۲- نظریه‌پردازان معتقد به منشأ فرهنگ و تمدن اسلامی برای شهر اسلامی

نظریه	نظریه‌پردازان
اسلام اساساً دینی شهری است.	ریچارد فرای
اسلام تمدنی بنیادگرا، سازنده و شهری است.	سیناسور
نهادها و تأسیسات جامعه مسلمان نقش سازنده و مثبتی در اسلام داشته‌اند.	جوزف ارنست
اسلام در گسترش یافتن زندگی شهری نمودار شده است.	مارسی
سیستم فرهنگ شهری با ظهور اسلام در همه‌جا گسترش یافت.	ابن خلدون
این دین نیز مانند همه ادیان بزرگ و آیین‌های مختلف فلسفی محصولش شهر بود.	آرمسترانگ
اسلام هم یک سنت دینی و هم یک تمدن است.	ولش
آثاری که اسلام از خود بر جای گذاشته، انقلابی در تاریخ تمدن جهان به شمار می‌رود.	گویشین

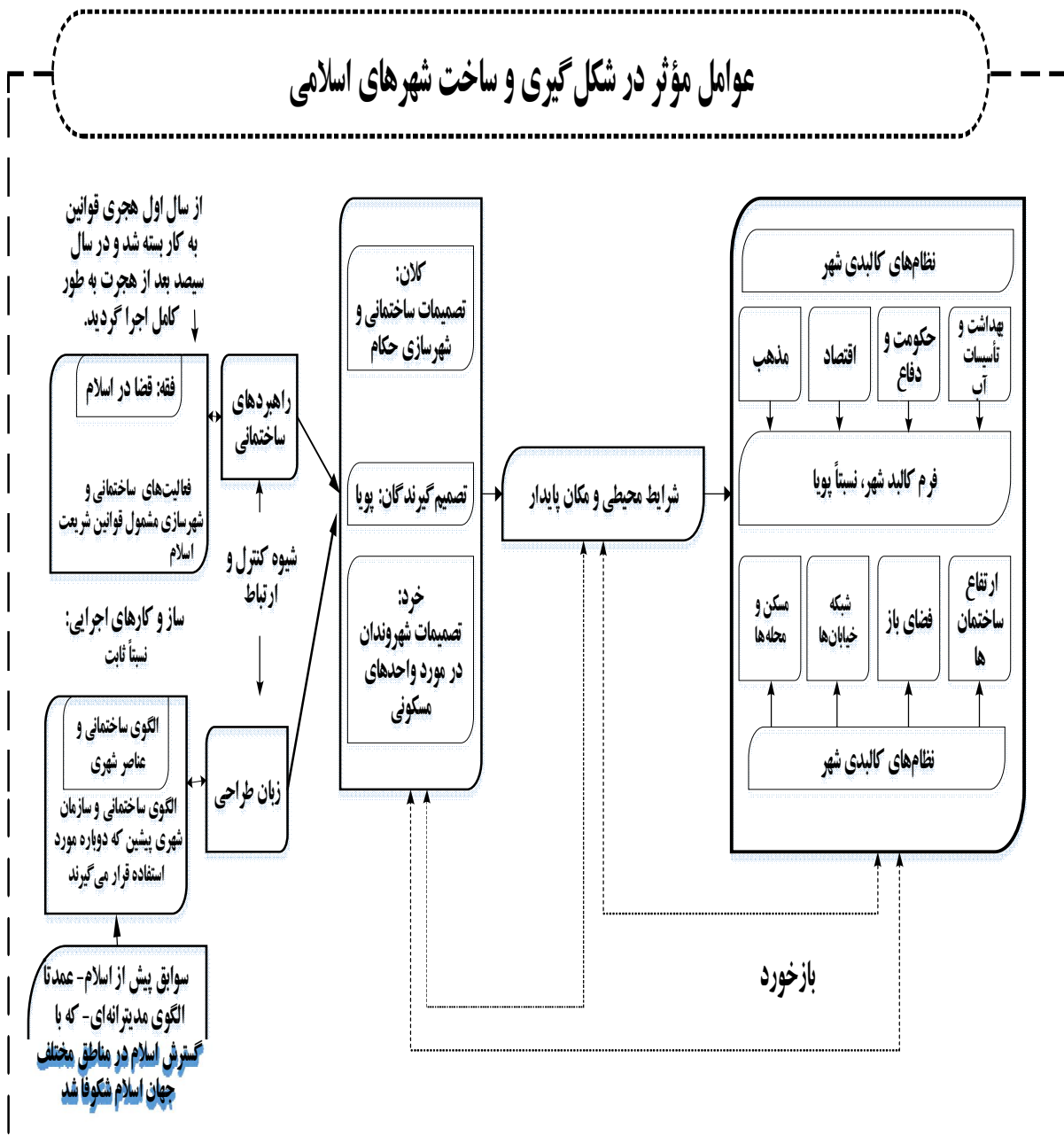
منبع: (پور جعفر و همکاران، ۱۳۹۴: ۵)

تأثیر فرهنگ اسلام در پیدایش شهر و نحوه‌ی سازماندهی آن همواره ناشی از عناصر زیر بوده است: مسجد جامع، بازار، مساجد محله‌ای، مدارس، خانقاه، مقابر، حسینیه و تکیه‌ها، نوع مذهب، اوقاف و تشویق مردم به احداث بناها و تأسیسات خیریه.

همچنین تأثیر فرهنگ اسلام در ساخت مسکن مبتنی بر اصول زیر بوده است:

اصل باحجابی، اصل درون‌گرایی، اصل سادگی، اصل خودکفایی، اصل تطابق با محیط، اصل نهی از منکر، اصل توجه به خانواده (زیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۱). اعتقادات، باورها و آموزه‌های اسلامی با فرهنگ‌های پیشین آن شهر و دیار آمیخته گردید. بدین صورت بافت شهرهایی که اکثر شهروندان آن مسلمان شدند؛ به مرور زمان متأثر از آئین والای اسلام گردید. اسلام نیز فرهنگ‌ها و آئین‌های گذشته هر تمدنی را که با آئین اسلام مغایرت نداشت و موجب رستگاری انسان می‌گردید؛ ارج می‌نهاد (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۴: ۸). بدین

ترتیب آمیزه‌ای از فرهنگ بومی و آموزه‌های اسلامی برای شهر و شهروندان هر دیار موجب نوعی هویت‌بخشی را فراهم نمود. به‌مرور زمان شهرهای مسلمان‌نشین به‌عنوان شهرهای اسلامی مشهور و شناخته شدند. شکل ۱، عوامل مؤثر در شکل‌گیری و ساخت شهرها را با تأثیرپذیری از فرهنگ اسلامی بازگو می‌کند.



شکل ۱- عوامل مؤثر در شکل‌گیری و ساخت شهرهای اسلامی (شکوئی، ۱۳۸۵: ۱۸۸؛ دانش، ۱۳۸۹: ۱۹، به نقل از Hakim, 1986)

فرهنگ و ساخت شهر در دوره‌های اسلامی

در دوره‌های اسلامی به‌ویژه از دوره آل‌بویه به بعد شهر به‌جایی گفته می‌شد که دارای منبر باشد و نماز جمعه در آن برپا شود و خطبه ایراد گردد. اگر خلفا با امیران می‌خواستند مکانی را به شهر تبدیل کنند، اجازه می‌دادند در مسجد آن منبر بگذارند و امیر و صاحب خراجی نیز بدان شهر اعزام می‌کردند. گاهی هم شهر دارای دو مسجد جامع بود؛ مثل مرو، یکی برای حنفی‌ها و دیگری برای شافعی‌ها. بدین‌سان ملاحظه می‌شود که در دوره‌های اسلامی به‌ویژه تا حمله مغول در شناخت شهر از روستا بر عامل مذهبی-فرهنگی، بیشتر تأکید می‌شد (شکوئی، ۱۳۸۵: ۷۴).

بیشتر محققانی که درباره‌ی نقش مذهب در پیدایش شهرها به تحقیق پرداخته‌اند، در میان ادیان بیش از همه بر ارتباط دین اسلام با توسعه شهری تأکید می‌کنند. بسیاری از جغرافیدانان و تاریخ‌نگاران اسلامی نظیر ابن خلدون، هنگام بحث درباره شهرنشینی، به تفاوت‌های دو سیستم فرهنگی قبل و بعد از اسلام اشاره می‌کنند:

- ۱) سیستم فرهنگ بادیه‌نشینی - کوچ‌نشینی که قبل از اسلام در بیشتر نقاط عربستان دیده می‌شد؛
 - ۲) سیستم فرهنگ شهری که با ظهور اسلام در همه‌جا گسترش یافت.
- هنگام گذر از فرهنگ بادیه‌نشینی - کوچ‌نشینی، به فرهنگ شهری، ایجاد سازمان‌های اجتماعی ویژه‌ای ضرورت می‌یابد که فرهنگ اسلامی بیش از دیگر ادیان بر این سازمان اجتماعی تأکید می‌کند.

ایدئولوژی اسلامی و مورفولوژی شهری^۱

در شناخت مورفولوژی شهرهای اسلامی یا ساخت اکولوژیک آن‌ها باید هر محقق با ایدئولوژی اسلامی آشنا شود: زیرا برادری و برابری و تحرک عمودی و افقی در هر بخش از زندگی، باعث تحرک و پویایی جامعه‌ی شهری و همیاری مردم در جامعه‌ی اسلامی شده است. از طرفی اسلام، همواره برای حریم زندگی خانوادگی و ارزش‌های آن اهمیت قائل بوده است؛ از این‌رو این دستورات و قوانین، به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شهری و ساخت شهرهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داده و به مورفولوژی شهرهای اسلامی

هویت ویژه‌ای بخشیده است که با شهرهای نواحی دیگر دنیا متفاوت است (شکوئی، ۱۳۸۵: ۱۸۵). همچنین، باورهای مذهبی کانون یا هسته اصلی زندگی فرهنگی مردم مسلمان را تشکیل می‌دهد، از این رو مسجد، در سلسله مراتب نهادی و مکانی از جایگاه عمده و کانونی برخوردار بوده است؛ یعنی باورهای فرهنگی تفکیک‌کننده زندگی خصوصی و عمومی بوده است؛ به طوری که طرح شهری شامل خیابان‌های باریک و بن‌بست‌های جداکننده قلمروهای خصوصی و عمومی از یکدیگر بوده است. در نتیجه، هرگونه فعالیت اقتصادی که با مبادله و حضور اجتماعی سروکار داشته باشد از کاربری (خانه‌های شخصی) مسکونی جدا بوده و بیشتر این قبیل فعالیت در مناطق عمومی خیابان‌های اصلی متمرکز بوده است (غنی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۳).

عوامل اعتقادی و ایدئولوژیک که در روابط اجتماعی فرهنگی و ساخت شهرها در دوره اسلامی دخالت دارد عبارت‌اند از:

۱. **آسیب نرساندن:** در این دیدگاه تصمیمات فردی و حقوق فردی نباید موجب آسیب‌رساندن به دیگران شود.
۲. **پیوستگی به هم:** در اینجا وضعیت اکولوژیک ساختمان مورد توجه است و بیشتر به نیازهای ویژه خانواده‌ها تأکید می‌شود.
۳. **خلوت‌گزینی:** در این دیدگاه خلوت‌گزینی شخصی مورد توجه است تا شخص بتواند در مسکن خود بدون نظاره دیگران زندگی کند.
۴. **حق دریافت روشنایی و هوای مورد نیاز:** در این اصل ایجاد ساختمان‌های مرتفع که باعث عدم دریافت نور خورشید و هوای تازه در واحدهای مسکونی دیگر می‌شود، منع می‌گردد.
۵. **محترم شمردن اموال دیگران:** در اینجا نباید عملی انجام شود که ارزش ساختمان و اموال دیگران کاهش یابد (شکوئی، ۱۳۸۵: ۱۸۸). در جدول ۳، به ویژگی کلی ساختار شهرهای اسلامی اشاره شده است.

جدول ۳- ویژگی کلی ساختار شهرهای اسلامی

<ul style="list-style-type: none">• قوانین طبیعی <p>اولین اصل اساسی تعریف شده ویژگی شهر اسلامی شرایط توپوگرافی است که نشان دهنده اتخاذ کارکردهایی مانند حیاط‌های دیوار دار خیابان‌های سرپوشیده باریک و باغ‌ها است؛ مانند عناصری که برای، هشتی‌ها طراحی شده‌اند با شرایط اقلیمی گرم، بر محیط شهرهای اسلامی غلبه کرده‌اند.</p> <ul style="list-style-type: none">• عقاید مذهبی و فرهنگی <p>عقاید فرهنگی اسلامی زندگی عمومی را از قسمت خصوصی و فردی جدا نموده است، به همین خاطر طرح شهر به صورتی است که شامل خیابان‌های باریک می‌شود و تفکر دینی باعث جدایی محدوده عمومی و خصوصی شده است.</p> <ul style="list-style-type: none">• اصول طراحی که ریشه در قوانین شریعت دارند <p>شهر اسلامی انعکاس یافته از قوانین شریعت، به اصطلاح روابط کالبدی و اجتماعی بین محدوده خصوصی و عمومی و بین همسایگان و گروه‌های اجتماعی است. اصول بخش خصوصی، باعث ایجاد دیوارهای بلند مرتفع‌تر از شتر سوار شده است. این اصول در حقوق ملکی نیز مؤثر بوده است.</p> <ul style="list-style-type: none">• اصول اجتماعی <p>گروه‌بندی سازمان اجتماعی جامعه شهری بر اساس دید فرهنگی، منشأ خونی و نژادی است. بنابراین توسعه کالبدی شهر رابطه مستقیم باهم پیوستگی خویشاوندی، ویژگی‌های مذهبی، اجتماعی و دفاعی دارد.</p>

عناصر شهری در شهرهای ایرانی اسلامی

معنی، مفهوم و گوهر وجودی عناصر و ویژگی‌هایی که به ساخت شهر ایرانی اسلامی و استقرار عناصر و ارتباط آن‌ها با سکونتگاه‌های مردم شکل می‌دهد، مبتنی بر نظام‌های متعددی است. نظام‌هایی مانند وقف و عناصری شهری وقف از جمله مساجد، حسینیه‌ها، حمام‌ها و غیره، همچنین نظام صنفی، شامل رؤسای حرف و مشاغل، نظام و تشکیلات اداره‌کننده شهر و آموزش دینی، حقوق و قوانین اسلامی و نظام نمادین برخی شهرها (بزرگر، ۱۳۸۲: ۹۵). شهرهای پارسی ایران تا قبل از ظهور اسلام، بر اساس یک هندسه مقدس و به شکل مربعی ساخته می‌شدند. قلعه شهرهای ایرانی به دلیل تبعیت از آرمان‌های پارسی از طرح شطرنجی هشت در هشت بهره می‌گرفت که در جهات چهارگانه جغرافیایی دارای دو خیابان عمود بر هم شمالی جنوبی و شرقی - غربی بود که یک چهارسو را در تقاطع خود تشکیل می‌داد. شهرهای ایرانی از سه بخش اصلی یعنی شارسران، کهنذر و بخش بیرونی تشکیل می‌شدند (پوراحمد، ۱۳۹۳). اجزاء تشکیل دهنده هر یک از بخش‌های سه‌گانه مزبور را می‌توان به در جدول ۴، ملاحظه کرد:

جدول ۴- عناصر شهر ایرانی قبل از اسلام

<p>– دژ یا ارگ</p> <p>هسته اولیه شهر را تشکیل می‌داد و شامل کاخ پادشاهی و مقر حکومتی و تالارهای پذیرایی و بخش نظامی بوده و به‌طور معمول عناصری همچون معبد، آتشکده نیز در آن قرار داشت. این بخش با حصارهای بلند خود را از بخش‌های دیگر جدا می‌کرد.</p> <p>– شارسران یا شهرستان</p>

شامل گذرهای اصلی که دروازه‌های شهر را به یکدیگر و به عناصر اصلی شهر مانند بازار، ارگ و غیره متصل می‌کرد. مرکز عمومی شارستان عبارت بود از مجموعه‌ای از فضاها و بناهای خدماتی، تجاری و مذهبی و به‌ویژه بازار برای شهروندان و مفصل‌های ارتباطی در تقاطع گذرها ایجاد می‌شد و تقسیمات شهری و محله‌ای را نیز مشخص می‌کرد. محل زندگی عموم مردم در محله‌های مسکونی قرار داشت.

– بخش بیرونی یا سواد

شامل مزارع، باغ‌ها و روستاهای پیرامونی بود و محله‌هایی هم برای سکونت پیشه‌وران احداث می‌شد. در بیرون از برج و باروی شهرهای ایرانی، جاده ارتباطی بین شهر با دیگر آبادی‌ها و ولایات، مزارع و باغات و باراندازی در پشت حصار برای استراحت کاروانیان و معاملات تجار قبل از ورود کالا به شهر وجود داشت. بنابراین با توجه به عناصر حفاظتی و تدافعی از قلعه شهرهای ایرانی همچون: خندق، حصار، دروازه‌ها و درب‌های آن‌ها و غیره، عمده‌ترین فضای فکری حاکم بر بافت و ساختار فضایی شهرهای قبل از اسلام، موضوع امنیت و حفظ قدرت حاکم بوده است.

عناصر و اجزایی که در شهرهای کهن ایرانی اسلامی وجود داشتند دارای نوعی ارتباط متقابل فضای یکپارچه و به هم پیوسته بوده‌اند. در این شهرها، فضاها ضمن آنکه هرکدام جا، مرتبه و شخصیت خاص خود را در سلسله‌مراتب فضاهای شهری حفظ کرده و به ایفای نقش خود می‌پردازند باهم مجموعه‌ای واحد را پدید می‌آورند که شهر را از نظر فضا، واحدی منسجم و به‌هم‌پیوسته نشان می‌دهد. عناصر اصلی مجموعه شهری در شهرهای ایرانی اسلامی در جدول ۵، آورده شده است.

جدول ۵- عناصر اصلی اجتماعی فرهنگی شهرهای کهن ایرانی اسلامی

<p>✓ مساجد</p> <p>مسجد محوریت ساختار عبادی، سیاسی، فرهنگی و غیره در نظام اجتماعی اسلام است؛ بنابراین، در شهرسازی همواره کانون توجه بوده است. در طول تاریخ نیز، مساجد، به دلیل جامعیت، اهمیت، تعداد و جایگاه والا در شهرهای اسلامی، از اصلی‌ترین عوامل هویت‌دهنده کالبدی، معنوی و ذهنی همه مجتمع‌های زیستی مسلمانان اعم از شهر و روستا بوده‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۱). این هویت‌بخشی، نه تنها در شکل و سیما و کالبد و از نظر بصری، بلکه از نظر روانی و فرهنگی سایر ویژگی‌های مساجد همچون چند عملکردی بودن، مرکزیت و مکان استقرار آن‌ها نیز اعمال می‌شد.</p>
<p>✓ سوق (بازار)</p> <p>بازار در خارج از مسجد اصلی قرار داشت. توزیع کالا و فروش اقلام مقدسی مانند شمع، عطر، کتاب دعا و صحافی و غیره در نزدیکی مسجد بود و بقیه کالاها در فاصله دورتری بودند. قیصریه (بازار پارچه‌فروشی‌ها) مهم‌ترین قسمت بازار است. تفاوت اصلی در بازارهای قبل از اسلام با بازارهای زمان اسلام، تخصصی بودن آن است که تقسیم‌بندی بازار بر مبنای حرفه‌ای استوار است که در کنار بازارها، سراها، کاروانسراها، میهمان سراها، مساجد بزرگ و کوچک و غیره در نزدیک‌ترین فاصله از مزار امامزادگان و اماکن مقدس مذهبی قرار داشت (کمیلی و خدایی، ۱۳۹۰: ۹۴۹).</p>
<p>✓ ارگ</p> <p>ارگ به‌عنوان کالبد سیاسی، بازیاب حضور قدرت سیاسی در شهر و منطقه، نقطه کانونی کالبد و فضای شهری و محل استقرار حاکم و سایر کارگزاران وابسته و تأسیسات مرتبط بود. شکل غالب جایگزینی ارگ در شهر بر مبنای الگوی هماهنگ در فضایی مرتبط با مسجد جامع و بازار بود که اغلب در منطقه رضی قرار می‌گرفتند. در این میان ارگ به‌عنوان عنصر سیاسی از سایر عناصر جدا شده و با ایجاد حصار و بارو در اطراف آن به‌صورت کانون اصلی شهر تجلی می‌یابد (نظریان، ۱۳۷۴).</p>
<p>✓ محله مسکونی</p> <p>محله‌های شهرهای ایرانی- اسلامی در ساختار خود از وحدت جغرافیایی خاصی برخوردار هستند. بن‌بست‌ها، کوچه‌ها، گذرگاه‌ها و مراکز محله‌ها با عناصر عمومی دست به دست هم داده، به محله موجودیت می‌بخشند. هر یک از این اجزاء دارای ویژگی‌های خاص خود هستند که از جهت بافت سنتی شهرها، اهمیت به‌سزایی دارند. عناصر و فضاهایی همچون بازارچه‌ها، مساجد، حمام، سقاخانه‌ها، آب‌انبارها و در برخی از محله‌های معتبر، کاروانسرا و</p>

<p>میدانچه و در شهرهای ایران گاهی زورخانه به خاطر تأمین نیازهای ساکنان هر محله به وجود آمده و در واقع به زندگی آن‌ها استقلال نسبی بخشیده است (دانشپور و شیر، ۱۳۹۴: ۲۱).</p> <p>✓ شبکه خیابان‌ها، دیوار و نماهای خارجی</p> <p>پیوند بین محلات از طریق شبکه باریکی از خیابان‌های بپیچ‌درپیچ صورت می‌گرفت؛ خیابان‌هایی که به خیابان بن‌بست، شبه خصوصی، خصوصی و عمومی تقسیم می‌شوند. دیوار شهر نیز تعدادی دروازه را که هرکدام به محله‌ای ختم می‌شود دربر می‌گرفت و در بخش بیرونی دیوارها، قبرستان‌های مسلمانان و یهودیان وجود داشت.</p> <p>✓ مدارس</p> <p>مدرسه، مکانی برای آموزش فعالیت اجتماعی امت که متناسب با سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه شکل می‌گیرد و نهادها و سازمان‌های ویژه‌ای را به جود می‌آورد. پیش از اسلام، مراکز آموزشی مجاور کاخ‌ها و مراکز حکومتی یا آتشکده‌ها و نقاطی دور از مراکز تجاری قرار داشتند. در جوامع کهن، نهادها و تأسیسات اداری، مذهبی و بازرگانی از مهم‌ترین عوامل فضاهای آموزشی بودند. به همین دلیل مراکز آموزشی اغلب در کنار تأسیسات اداری، مراکز مذهبی یا بازرگانی، نیروهای مورد نیاز خود را برای اداره امور تعلیم می‌دادند (کیانی، ۱۳۷۹).</p> <p>✓ میدان</p> <p>در شهرهای دوره اسلامی، نقش و عملکرد میدان اهمیت بیشتری یافته و در کنار بازار قرار می‌گیرد. در قرون اولیه اسلامی، در میانه و پیرامون میدان بزرگ شهر، فقط مسجد جامع و کاخ‌های حکومتی و ساختمان‌های نگاهبانی قرار داشت (حبیبی، ۱۳۸۳). میدان در شهرهای اسلامی در مفهومی وسیع‌تر، برخی ساختارهای شهر اسلامی از جمله مسجد جامع و برخی نهادهای اداری و عمومی را نیز در برمی‌گرفت و بر این اساس، میدان کارکردهای متعددی داشت. نمونه‌ای از چنین میدانی در شهر اصفهان، میدان نقش جهان است که در تاریخ اصفهان، نقش‌های متعددی ایفا کرده است.</p> <p>✓ بناهای مذهبی</p> <p>بناهای مذهبی شامل مساجد، آرامگاه ائمه، کتابخانه‌ها، حسینیه‌ها و تکایا، خانقاه‌ها، زاویه‌ها، سقاخانه‌ها و مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه، مدارس علمیه (حوزه‌های علمیه)، امامزاده‌ها، بقاع متبرکه، آستانه‌ها و غیره است؛ که حریم و حرمتی والا نزد مردم در جامعه اسلامی دارد و خدماتی همچون زائرسراها و مسافرخانه‌ها برای مسافران در کنار آن‌ها شکل می‌گیرد (کمیلی و خدایی، ۱۳۹۰: ۹۵۱).</p>
--

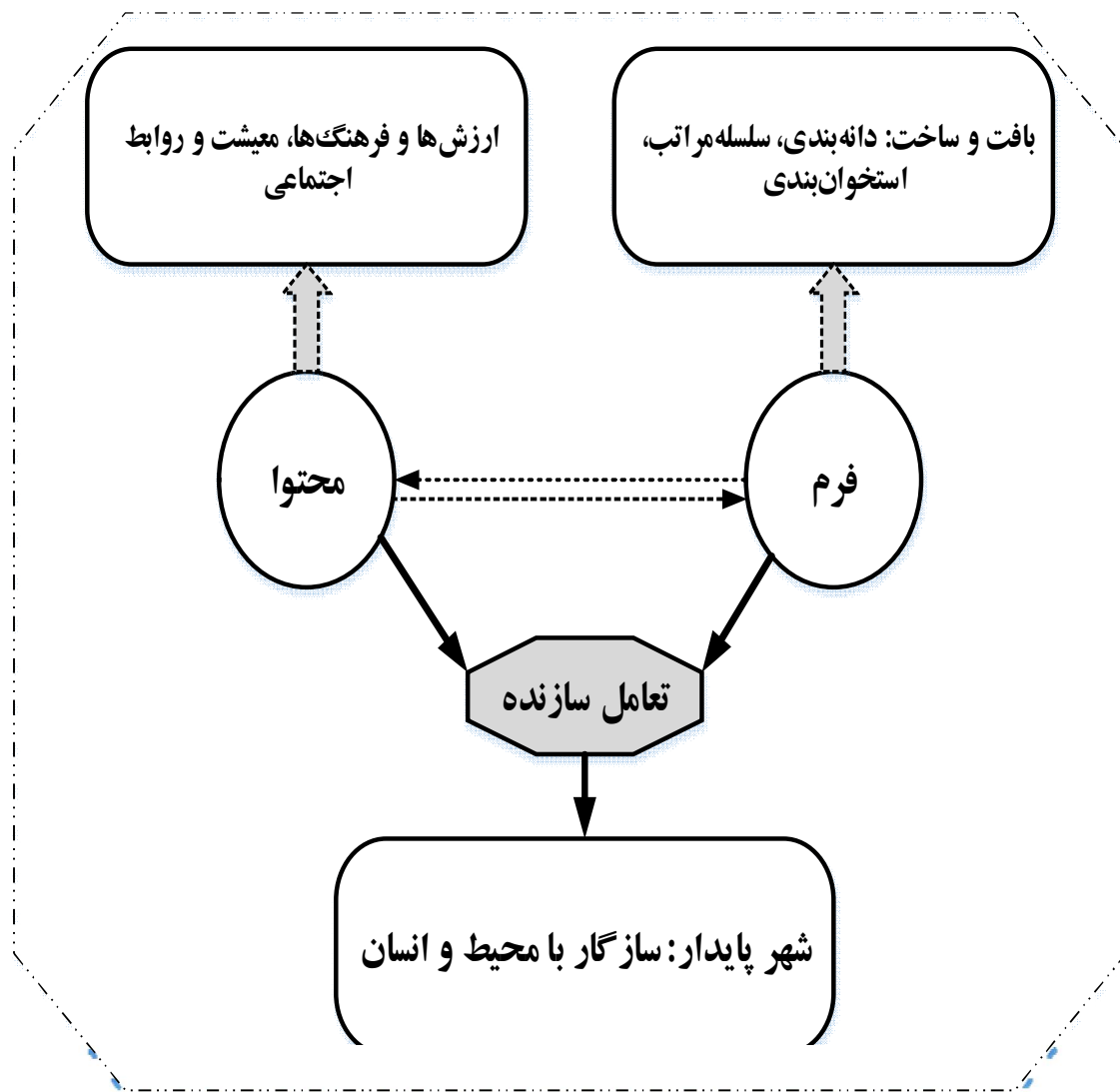
شیوه و ساخت شهرهای ایرانی اسلامی

در فرهنگ اسلامی شیوه و روش خاصی در رابطه با برخورد و تماس با بستر طبیعی و نظام حاکم بر آن به‌ویژه درباره شکل‌گیری مسکن در ارتباط با طبیعت ارائه شده است. در این بینش اساساً انسان به‌عنوان خلیفه‌الله باید افعال و کردار خود را با بهره‌گیری از اصول و قوانینی که خالق هستی برای تنظیم امور کائنات مقدور فرموده، به انجام برساند (معینی، ۱۳۹۱: ۹۲).

همان‌طور که ذکر شد، سه رکن مهم شهرهای اسلامی شامل ارگ، شارستان و ریض است. بازارها و مراکز اقتصادی بعد از بناهای مذهبی مهم‌ترین رکن شهرهای اسلامی بودند. به نظر محققین، شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنیان می‌گذارند دو مشخصه اصلی داشت: یکی مسجد و دیگری بازار. بازارها و مراکز اقتصادی عموماً در اطراف مسجد بودند. مرکز شهر از عناصر اصلی شهر شامل مسجد جامع، بازار، مدرسه علمیه، میدان، تکیه، حمام و کاروانسرا تشکیل می‌شده است و ارتباط قوی فضایی میان عناصر مجموعه مرکز شهر وجود داشته است. از مهم‌ترین عناصر مذکور مرکز شهر، محلات شهر، مراکز تولیدی

و هزینه سرانه خدمات، عناصر و فضاهای ارتباط دهنده، عناصر خدماتی، ارگ شهر و حصار را می توان نام می برد (توسلی، ۱۳۶۵ و پوراحمد، ۱۳۹۳: ۹).

به طور کلی شهرهای دوره پس از ورود اسلام به ایران با اجزای سه گانه و مهم ارگ، مسجد جامع و بازار به هم راه محله های مسکونی، کاروانسراها، شبکه معابر ارتباطی و سایر فضاها و عناصر شهری همه بانظم و دقتی حساب شده در بافت شهر جای گرفته و مجموعه های کاملی را پدید آورده بودند. بازارها دارای آنچنان اجزای حساب شده و نفوذی قوی در شهر و منطقه نفوذ شهرها بودند که امروزه نیز در پاره ای موارد به حیات خویش ادامه می دهند. محله های مسکونی با ویژگی های فرهنگی و کالبدی مخصوص به خود، شهرسازان جدید را واداشته اند تا به روابط همسایگی، جمعیت و ویژگی های دیگر در برنامه ریزی های شهری امروزی توجه کنند و سعی کنند تا ویژگی های قبلی و حیات دیروزی محله ها را شامل شبکه های ارتباطی، سلسه مراتب حساب شده ای که تحت تأثیر عوامل دفاعی، اجتماعی، طبیعی، اقلیمی، فرهنگی و زیبایی در معماری شکل گرفته بودند، بازگردانند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰). در شهر ایرانی - اسلامی هر چه هست تبلوری است از محیط زیست، فرهنگ و آداب و سنن؛ آنچه در شهر ایرانی - اسلامی مطرح است رعایت کلیه اصول زندگی بومی است. در واقع شهر ایرانی - اسلامی شکل تبلور یافته فرهنگ محیط خود است. تطابق فرم و محتوا زمینه هم زیستی پایدار و رفاه شهروندی را در شهر ایرانی - اسلامی فراهم نموده و هویت نمود بارز آن است. شکل ۲، بیانگر روابط ارگانیک فرم و محتوا در شهر ایرانی اسلامی است.



شکل ۲: روابط ارگانیک و پایدار فرم و محتوا در شهر ایرانی - اسلامی، (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰)

در شیوه و ساخت شهرهای ایرانی - اسلامی هدف از ساختن بناهای عمومی نیز امری بسیار مهم می‌باشد؛ چون در این‌گونه بناها باید به منافع گروه کثیری از شهروندان توجه شود. باید به نقش آموزشی بناهای عمومی در ترویج و اشاعه اصول دین و فرهنگ اسلامی توجه کرد. همچنین باید به رعایت حقوق دیگران توجه ویژه داشت. رعایت حرمت زنان و مردان در بناهای عمومی در شهر اسلامی به جهت تأمین امنیت و تعریف حدود و سلسله‌مراتب امری مهم می‌باشد. هر یک از مجموعه‌های شهری تشکیل‌دهنده استخوان‌بندی اصلی شهرهای دوران اولیه ظهور اسلام دارای اجزای کارکردی متنوع می‌باشند. این کارکردهای متنوع شامل مذهبی - فرهنگی مثل مساجد، مقابر و مدارس علمیه و غیره مبادلات تجاری مثل

بازارها و غیره هستند (امیری و قنبری، ۱۳۹۳: ۵). شهر اسلامی همانند سایر شهرها در حوزه‌های تمدنی غیر اسلامی با تلفیق شیوه‌های شهرسازی تمدن‌های مغلوب شده توسط اسلام و شکل و الگوی فرهنگی جدیدی در شهرسازی که از دین جدید نشأت گرفته، سیمای خاصی از شهر را نشان می‌دهد که در سراسر سرزمین‌های اسلامی دارای وجوه اشتراک زیاد با یکدیگر و خصایص متمایزکننده نسبت به شهرهای غیر اسلامی است. خصایص شهر اسلامی در قلمرو کالبدی و اجتماعی قابل دسته‌بندی است. خصوصیات کالبدی نشانگر تأثیر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی بر کالبد شهرهاست. ایجاد مساجد، مدارس علمیه، وقف زمین و ساختمان در این گروه قرار می‌گیرد. در کنار آن اسلام جامعه محلی را نیز با ارزش‌های جدیدی مواجه و آشنا ساخت که به تدریج خصوصیات رفتاری، ارزش‌های اجتماعی و فردی، مفاهیم و اهداف همزیستی و شیوه اداره شهرها و همکاری با یکدیگر را متحول ساخت. این تحول منجر به تغییر در خصوصیات اجتماعی جامعه شهری شده است. همزیستی گروه‌های مذهبی و قومی مختلف در کنار یکدیگر، تفکیک فضاهای فعالیت عمومی از خصوصی و عملکردهای اجتماعی مراکز مذهبی نظیر مساجد در شهرها جزو خصوصیات شهرهای اسلامی است (موسوی، ۱۳۸۸: ۵). ورود اسلام به ایران نیز مقدمه تغییر روابط ساختاری را در شهر ایرانی فراهم آورد. اسلام با جهان‌بینی خود، علاوه بر تحول در ساخت اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک، ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی را نیز متأثر کرده است (سلطانی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵). این تأثیر به واسطه ورود عناصری چون مسجد جامع، حسینیه و تکایا شکل جدیدی از روابط متقابل را در ساختار کلی شهر بازتعریف کرده است.

نتیجه‌گیری

بافت کالبدی و ساخت شهرها متأثر از اندیشه‌ها، عقاید، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جوامع می‌باشد. از این رو شناخت این بخش از شهرها می‌تواند به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بینجامد. شهرهای تاریخی تا حد زیادی جلوه‌گاه ارزش‌های فرهنگ ایرانی و تعالیم اسلامی بوده‌اند، میراث فرهنگ اسلامی اگرچه نمودار فرهنگ و تمدن و هنر مسلمانان است اما کم‌وبیش از ویژگی‌های فرهنگی مناطق و سرزمین‌های گوناگون متأثر شده است و اشکال گوناگون و کاملاً متنوعی به وجود آورده است. شهر اسلامی حاصل فرهنگ و تمدن اسلامی است که عناصر پراکنده فرهنگی دنیا را جذب کرد و با

ایجاد یکنواختی و هماهنگی، یک نظام فکری نو بوجود آورد. اصطلاح شهر اسلامی بیانگر هویت ویژه فرهنگی، فضایی و تاریخی خاص سیستم‌های چهارگانه ساخت شهرهای جهان اسلام (اکوسیستم، سیستم فضایی- فعالیتی، سیستم ارزشی و سیستم مدیریتی) است که محیط شهری‌شان را از آن غیر آن جدا می‌کند. مؤلفه‌های اساسی فرهنگ اسلامی در ساخت شهر را می‌توان، مسجد، بازار، مدرسه، میدان، محله، خانقاه، کاروانسرا و غیره برشمرد که مکان، بافت و کارکردهای فضای شهری متأثر از آنهاست. شهر ایرانی- اسلامی، شهری است که در آن مظاهر تمدن اسلامی که دارای هویت فضایی، فرهنگی و تاریخی هستند، تجلی‌یافته است. در شهر ایرانی- اسلامی نوعی ارتباط ذاتی، کلی و ساختاری بین دین و فضای مصنوع شهری و مناسبات فردی و اجتماعی مشاهده می‌گردد. در این بین، تداوم سیر تاریخی- فرهنگی و اصیل اولیه شهرهای ایرانی- اسلامی، راهبردی است که می‌تواند در تبلور مجدد مفاهیمی همانند مفهوم شهر ایرانی- اسلامی و بازیابی هویت آنها، راهگشا باشد. همچنین، شکل‌گیری اصول ایرانی اسلامی عمدتاً به ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی که ریشه در ماهیت احکام اسلامی داشته است، بستگی دارد؛ به طوری که جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان و از جمله ساخت سکونتگاه‌های شهری را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

منابع

- ۱- اعتضادی، لادن، (۱۳۷۷)، نقش مسجد در ساختار شهرهای مسلمان‌نشین، ماهنامه مسجد، شماره ۴۴.
- ۲- افروغ، عماد، (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول، تهران.
- ۳- امیری، حکمت و قنبری، معصومه، (۱۳۹۳)، شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر متون اسلامی، همایش ملی معماری، عمران و توسعه‌ی نوین شهری کانون ملی معماری ایران، تبریز.
- ۴- باقری، اشرف السادات، (۱۳۸۶)، نظریه‌هایی درباره شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی، انتشارات امیر کبیر.
- ۵- بذرگر، محمدرضا، (۱۳۸۲)، شهرسازی و ساخت اصلی شهر، انتشارات کوشا مهر، شیراز، چاپ اول.
- ۶- پارسی، حمیدرضا، (۱۳۸۱)، شناخت محتوای فضای شهری، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۱، صص ۴۹-۴۱.
- ۷- پورجعفر، محمدرضا و همکاران، (۱۳۹۴)، منابع انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهری آرمانی - اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره هشتم، سال سوم، صص ۲۱-۳.
- ۸- پوراحمد، احمد و یزدانی، داریوش، (۱۳۸۴)، تأثیر مدرنیسم بر توسعه کالبدی شهرهای اسلامی، نمونه موردی: شهر تبریز، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۰.
- ۹- پوراحمد، احمد، (۱۳۹۳)، ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، مشهد مقدس.
- ۱۰- پوراحمد، احمد و همکاران، (۱۳۹۰)، تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۶، صص ۶۱-۴۷.
- ۱۱- توسلی، محمود، (۱۳۷۹)، شهر: کانون فرهنگ، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷.
- ۱۲- حبیبی، سید محسن، (۱۳۸۳)، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- حبیب، فرشته، (۱۳۸۸)، تحلیلی از تعامل فرهنگ و کالبد شهر (نمونه موردی: اصفهان - صفویه)، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴، صص ۸۳-۹۴.
- ۱۴- حکیم، بسیم سلیم، (۱۳۸۱)، شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمدحسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ۱۵- خدایی، زهرا و تقوایی، علی‌اکبر، (۱۳۹۰)، شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۱۳-۱۰۳.
- ۱۶- دانش، جابر، (۱۳۸۹)، مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره اول، صص ۳۱-۱۵.

- ۱۷- دانشپور، عبدالهادی و شیرینی، الهام، (۱۳۹۴)، عناصر کالبدی کارکردی شکل‌دهنده به هویت بافت‌های تاریخی شهر ایرانی-اسلامی، فصلنامه نقش جهان، شماره ۵-۱.
- ۱۸- راپاپورت، امس، (۱۳۸۴)، منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه‌ی راضیه رضازاده، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ سوم.
- ۱۹- زیاری، کرامت‌الله، (۱۳۸۲)، تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی)، فصلنامه جغرافیا و توسعه، صص ۹۵-۱۰۸.
- ۲۰- زیاری، کرامت‌الله، (۱۳۸۹)، برنامه‌ریزی شهرهای جدید، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران.
- ۲۱- سجاد زاده، حسن و همکاران، (۱۳۹۴)، تجلی مفهوم درون‌گرایی در بازارهای ایرانی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره هشتم، سال سوم، صص ۳۴-۴۷.
- ۲۲- سلطان‌زاده، حسین، (۱۳۷۳)، تأثیر اسلام در ساخت شهر، مجله معماری شهرسازی، شماره ۲۶-۲۵.
- ۲۳- سلطانی‌فرد، هادی و همکاران، (۱۳۹۲)، تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی-اسلامی، مطالعه موردی: شهر سبزوار، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۴، صص ۲۱-۱۳.
- ۲۴- شکویی، حسین، (۱۳۸۵)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
- ۲۵- شماعی، علی، (۱۳۸۹)، نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن شهر یزد، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره اول، صص ۹۳-۱۰۵.
- ۲۶- صرافانی، مظفر، (۱۳۸۳)، شهر فرهنگی و فرهنگ شهری، ماهنامه شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۶۴.
- ۲۷- غنی زاده، مسعود، (۱۳۸۵)، نگاهی به شهر در تمدن اسلامی، مجله راهبرد توسعه، شماره ۷، صص ۱۹-۲۱۰.
- ۲۸- فنی، زهره، (۱۳۸۸)، بررسی ابعادی از تحولات جغرافیای فرهنگی شهر (مطالعه موردی: مناطق ۱ و ۱۲ شهر تهران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۸، صص ۳۷-۵۴.
- ۲۹- کمیلی، محمد و خدایی، زهرا، (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی عناصر هویت‌بخش به شهر اسلامی؛ نمونه مورد مطالعه: شهر ری، اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۹۶۷-۹۴۳.
- ۳۰- کیانی، محمد یوسف، (۱۳۷۹)، معماری ایران دوره اسلامی، انتشارات سمت.
- ۳۱- مجتهد زاده، غلامحسین، (۱۳۸۷)، برنامه‌ریزی شهری در ایران، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۳۲- مرتضی، هشام، (۱۳۸۷)، اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام، ترجمه‌ی ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، انتشارات مرکز مطالعاتی تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- ۳۳- مشکینی، ابوالفضل و همکاران، (۱۳۹۴)، تدقیق مفهومی و تشریح راهکارها و شاخص‌های تحقق‌سنجی چهار اصل مسجدمحوری، محله‌محوری، درون‌گرایی و طبیعت‌گرایی در شهر ایرانی اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره هشتم، سال سوم، صص ۱۸-۳۵.

۳۴- معینی، مهدیه، (۱۳۹۱)، بازشناسی اصول کیفی مسکن در ارتباط با طبیعت از منظر جهان‌بینی اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۹، صص ۸۳-۹۶.

۳۵- موسوی، سیروس، (۱۳۸۸)، اختصاصات کالبدی و اجتماعی شهر اسلامی، ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی شوراها، شماره ۳۸، صص ۸-۴.

۳۶- نظریان، اصغر (۱۳۷۴)، جغرافیای شهری ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

۳۷- نقی‌زاده، محمد، (۱۳۹۲)، جایگاه مسجد در طراحی شهر اسلامی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۹.

۳۸- هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷)، معماری اسلامی، فرم، عملکرد و معنی، ترجمه ایرج اعتصام، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری تهران.

39- Hakim, Basim Salim. (1986), Arabic-Islamic Cities:KPI.

40- Saoud, R. (2002). Introduction to the Islamic City. Foundation for Science, Technology and Civilization, publication ID 4012.